



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

: محسن زاده، فاطمه، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور : فقیه آسمانی : حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) در آیینی مردم یزد/ به

کوشش فاطمه محسن زاده ؛ با حمایت اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد.

مشخصات نشر

: یزد: آرتا کاوا ، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۲۵۸ ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۷۷-۸۵-۹

وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا

عنوان دیگر

: حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) در آیینی مردم یزد.

موضوع

: خراسانی یزدی، غلامرضا، ۱۲۵۶ - ۱۳۳۸ -- سرگذشت نامه

موضوع

: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشت نامه

موضوع

: Ulama -- Iran -- Biography

شناسه افزوده

: استان یزد: فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد

شناسه افزوده

: از مجموعه آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد

رده‌بندی کنگره

: BP ۱۸۳ م ۳/۱۳۹۷

رده‌بندی دیوبی

: ۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۷۱۳۶۸



انشارات آرتا کاوا

فقیه آسمانی

حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) در آیینی مردم یزد



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد

به کوشش : فاطمه محسن زاده

ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد با همکاری انتشارات آرتا کاوا

طرح جلد: فاطمه قربانی

حروف نگار: فاطمه جهان دوست

صفحه آرا: زهرا ملا حسینی

چاپ نخست: بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: زیتون - قم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۷۷-۸۵-۹

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد منتشر شده و تمام حقوق مادی اثر، از جمله انتشار و تکثیر، با رعایت قوانین جاری و آتی و قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان، در اختیار اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد است.

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه.....
۱۵.....	پیش درآمد.....
۱۸.....	این شرح بی نهایت.....
۲۴.....	آبروی مؤمن.....
۲۵.....	اثرگذاری معنوی.....
۲۹.....	اجازه‌ی اجتهاد.....
۳۲.....	احترام به پدر و مادر.....
۳۳.....	احترام و علاقه به سادات.....
۳۹.....	اخلاص.....
۴۰.....	ارج نهادن به مقام استاد.....
۴۱.....	اسراف.....
۴۲.....	امامت جماعت.....
۴۴.....	امر به معروف و نهی از منکر.....
۴۶.....	انتخاب نام نیکو برای فرزند.....
۴۶.....	اهتمام به موعظه.....
۴۷.....	اهمیت دادن به مسجد.....
۵۲.....	برقراری مهر و آشتی.....
۵۳.....	بصیرت و کرامت.....
۷۶.....	بگو استغفرالله!.....

۸۱.....	پرهیز از عناوین و القاب.....
۸۳.....	تأکید بر دیانت نسبت به ملت.....
۸۳.....	تأکید بر وحدت.....
۸۵.....	تبلیغ دین.....
۱۰۰.....	تراشیدن ریش.....
۱۰۱.....	تعلیم و تربیت.....
۱۰۴.....	تواضع و فروتنی.....
۱۱۰.....	توجه به اقلیت‌های دینی.....
۱۱۵.....	توسل.....
۱۱۹.....	توکل.....
۱۲۳.....	ثروت.....
۱۲۸.....	حج.....
۱۲۸.....	حساب دقیق.....
۱۲۹.....	حقوق حیوانات.....
۱۳۰.....	حقوق مردم.....
۱۳۳.....	حقوق همسایه.....
۱۳۵.....	خانواده.....
۱۳۸.....	خانه‌ای معنوی.....
۱۳۹.....	خدا می‌رساند.....
۱۴۰.....	خدا همه کاره است.....
۱۴۲.....	خدایا ما را بیامرز!.....
۱۴۲.....	خضوع در نماز.....
۱۴۴.....	خوراک ساده و کم.....
۱۵۰.....	خوش اخلاقی.....
۱۵۳.....	دائم الوضو.....
۱۵۴.....	دعا.....
۱۵۶.....	دل فقرا خون نکنید!.....
۱۵۹.....	ذکر خدا.....
۱۶۲.....	رسیدگی به امور مردم.....

۱۶۸	رعایت حال پیران در نماز جماعت
۱۷۰	ساختن مدرسه
۱۷۱	ساده‌زیستی
۱۷۶	سخن استوار
۱۷۸	سرمایه‌ای معنوی
۱۷۹	سکرات مرگ
۱۸۲	شرح صدر
۱۸۳	شوخ‌طبعی
۱۸۶	صبر بر مصیبت
۱۸۹	صلوات
۱۹۰	طی الارض
۱۹۹	عالم محضر خداست
۱۹۹	عزت نفس
۲۰۰	علم‌آموزی و جایگاه علمی
۲۰۴	عیادت از بیمار
۲۰۶	غیرت
۲۰۷	فراگیری علوم دینی
۲۱۲	فرزند زمان خویش
۲۱۵	فضایل اخلاقی
۲۱۷	کم‌حرفی
۲۱۷	کمک به فقرا
۲۲۸	گرامی داشتن علما
۲۳۴	گریه‌ی ستایش‌شده
۲۳۷	لغت بر شیطانیت
۲۳۹	لقمه‌ی حلال
۲۴۱	مبارزه با فرقه‌گرایی
۲۴۵	مبارزه با هوای نفس
۲۴۵	محبوب دل‌ها
۲۵۴	مرگ عالم

۲۶۸.....	مطالعه.....
۲۶۹.....	ملایمت با نادان.....
۲۷۳.....	نصیحت صمیمانه.....
۲۸۴.....	نگاه به نامحرم.....
۲۸۵.....	نماز.....
۲۸۶.....	نماز باران.....
۲۸۸.....	نماز شب.....
۲۹۰.....	وفای به عهد.....
۲۹۱.....	وقت و اهمیت آن.....
۲۹۵.....	یتیم‌نوازی.....
۲۹۵.....	یکی بودن > حب و عمل.....
۲۹۸.....	هوشیاری سیاسی.....

بسمه تعالی

مقدمه

آیت الله حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) فاتح قلوب

با توجه و دقت در عالم هستی و رصد توازن در آن، درمی یابیم که نیروهای طبیعت، اعم از عناصر جامد و عناصر زنده با یکدیگر پیوند دارند و در همدیگر تأثیرات متقابلی می گذارند؛ بدون آنکه در بین آن، فرقی بین عناصر جامد و زنده و عوامل ناشی از آن دو وجود داشته باشد.

صفات و اخلاقیات، آرزوها و احساسات انسان، ناشی از عوامل و عناصر زندگی است و هنگامی که درجایی گرد هم می آیند چیزی بوجود می آورند که ما آن را «شخصیت انسان» می نامیم.

در مکتب امیر بیان، مولای فضیلت و اخلاق، حضرت علی (علیه السلام)، انسان همان شکل و نمونه ای عالی جلوه های ارزنده ی جهان هستی است، و از جمله اشاره می فرماید: «آیا گمان می بری که تو موجود کوچکی هستی، در حالی که تمام جهانی بزرگتر را در خود جای داده ای؟!»

حضرت امیر (علیه السلام) عمیقاً اعتقاد داشت که در میان موجودات و کائنات پیوندهایی وجود دارد که جز با نابودی خود آنها، امکان از بین رفتن آن پیوندها نیست و هر چیزی که این روابط و پیوندها را کوتاه سازد، درواقع مفهوم خود هستی و وجود را بی ارزش می سازد و اگر انسان یکی از این موجودات باشد، پیوند او با آنها، همان پیوند هستی است.

پیوند انسان با زندگان ممنوع خود پیوندی استوارتر و نیرومندتر است. ارتباط انسان که در رأس موجودات زنده قرار دارد با برادر انسان خود، نخستین ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای هستی و بقای خود و جامعه به حساب می‌آید.

حضرت علی (علیه‌السلام) به‌طور شگفت‌آوری اصرار دارد که قوانین را با مقیاسی نگرهبانی و اجرا کند که زیباتر و والاتر از خود قوانین است و آن کیمیای مهر و عاطفه‌ی انسانی است که با ترویج اخلاق رشد و نمو می‌کند.

مهر و عاطفه‌ی انسانی، همین انگیزه‌ی روحی ریشه‌دار، برای تکامل و برتری و والایی است و این مهر و عاطفه یک ضرورت اخلاقی است.

حضرت علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) آنچه را که در مورد لزوم برادری و دوستی و مهر با همه‌ی مردم، برای خود و فرماندارانش خاطرنشان می‌سازد، با فلسفه‌ی جامع و کاملی در مورد همه‌ی افراد بشر، بدون کوچک‌ترین جدایی و امتیازی جاری می‌داند و می‌فرماید: «شما همه با هم برادرید و فقط پلیدی و ناپاکی درون و آفت و فساد باطن، بین شما جدایی افکنده است».

بنابراین امام علی (علیه‌السلام) ناپاکی درون و فساد باطن را در یک طرف و مهر و شوق قلب و دوستی و مودت نفس را در طرف دیگر قرار می‌دهد. پر واضح است که قوانین رسمی به علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) اجازه می‌داد با کسانی که ضد وی توطئه می‌چیندند، بجنگند، ولی او فقط هنگامی از این قانون رسمی استفاده می‌کند که همه‌ی جوانب مهر و عاطفه‌ی انسانی را در دل و جان خود در نظر بگیرد و فقط وقتی آماده‌ی جنگ با دشمنان توطئه‌گرش می‌شود که از چگونگی همه‌ی پیوندهای برادری بشری، در دل و جان دشمنانش آگاه شود و حتی در هنگامی که راهی، جز جنگ در برابر خود ندارد، آن را با کمال اکراه و بی‌میلی، نه از روی رضایت خاطر و تمایل قلبی، آغاز می‌کند و تازه به‌جای آنکه خوشحال باشد، اندوهناک و ناراحت است و حتی از این پیشامد ناگوار، اشک هم می‌ریزد و از اینجاست که می‌بینیم، احساسی که پس از پیروزی بر علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) روی می‌آورد، دردناک‌تر و ناگوارتر از احساسی است که از شکست بر دشمنانش عارض می‌شود.